سرخط

■ **ایسنا:** جمعه عناد سعدون، وزیر دفاع جمهوری عراق به دعوت رسمی امیر سرتیپ حاتمی، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران در صدر یک هیئت بلند پایه از فرماندهان نظامی به تهران می‌آید. وزیر دفاع عراق علاوه بر دیدار و گفت‌وگو با همتای ایرانی خود با مقامات بلند پایه سیاسی و نظامی کشورمان نیز دیدار خواهد داشت. گسترش همکاری‌های دفاعی، نظامی از جمله اهداف سفر وزیر دفاع عراق به جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

■ **فارس:** مهدی سنایی، مشاور ارشد وزیر امور خارجه با بیان اینکه روسیه شریک بزرگ ماست، اما انتظار تمان از شرکا باید واقع‌بینانه باشد، گفت: گاهی در جامعه گفته می‌شود روسیه S۴۰۰ به ما نداد، در حالی که ما درخواستی از روسیه برای خرید S۴۰۰ نداشته‌ایم.

■ **ایرنا:** فرمانده نیروی هوایی ارتش: نیروی هوایی با آمادگی، هوشیاری و قدرت رزمی بالا، امنیت آسمان کشور را تأمین کرده و قدرت و توانمندی رزمندگان ما، موجب تقویت روحیه و اعتماد مردم است.

یادداشت

حسن رشوند

«پمپئو» چرا در این مقطع به منطقه سفر می‌کند؟

در پایان هفته‌ای که گذشت پمپئو، وزیر خارجه امریکا که بر اساس آرای اعلام شده انتخابات سوم نوامبر، فعلاً دستگاه سیاست خارجه دولت شکست خورده و مستعجل امریکا را مدیریت می‌کند، دستپاچه و با عصبانیت یک پیام توئیتری درباره هشدار به کسانی که با ایران همکاری می‌کنند، داد و یک گفت‌وگوی انتقادی با «فاکس‌نیوز» در خصوص پیام‌های تبریک مقامات کشورهای اروپایی به «بایدن» انجام داد و بلافاصله سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرد پمپئو از روز جمعه ۲۳ آبان، سفر ۱۰ روزه خود به چند کشور منطقه غرب آسیا را آغاز می‌کند.

در چرایی این اقدامات شتابزده و عصبی وزیر خارجه دولت بی‌فروغ و مستعجل امریکا چند نکته وجود دارد:

۱- برکناری برخی مقامات کاخ سفید و بعضاً مجبور به استعفا کردن آنها، این روزها پمپئو را به تکاپو واداشته تا شاید از خطر اخراجش از دستگاه دیپلماسی کشوری که این روزها آرامش ندارد و حال یک محتضر را دارد، در امان بماند. پیش از آنکه اسپر، وزیر دفاع امریکا استعفا کند، خبرها حکایت از تصمیم ترامپ برای برکناری پمپئو داشت. پس نگرانی او قابل درک است، چراکه در این روزها که ترامپ تنها شده و بیش از گذشته به کمک نیاز دارد، اگر او تحرکی به خود ندهد، حتماً با تغییر همچون «اسپر» یا دیگرانی که هر روز اخبار آن را در رسانه‌ها می‌بینیم، مواجه خواهد شد. در کنار این استعفاها و جابه‌جایی‌ها، شاید رفتن برخی از مشاوران، دستیاران و مقامات کاخ سفید در این مقطع بیش از هر زمان دیگری از اهمیت برخوردار باشد. همین دیروز خبر استعفای «والری بوید»، دستیار وزیر در امور بین‌الملل و «برایان ویر»، دستیار مدیر امنیت سایبری در بخش آژانس امنیت زیرساختی و سایبری وزارت امنیت داخلی امریکا با فشار کاخ سفید که مجبور به استعفا شده بودند، توجه همگان را به خود جلب کرد. بنابراین اولین احتمال اینگونه سخنان پمپئو نسبت به مقامات اروپا و موضع‌گیری در رابطه با طرف‌های معامله با ایران و همچنین سفرهای دوره‌ای او به غرب آسیا را باید تلاش برای رضایت ترامپ و بقای در قدرت و نهایتاً خارج شدن از کاخ سفید بدون اینکه در این مدت باقیمانده غیرمحترمانه اخراج شود، دانست.

۲- پمپئو در حالی سخن از تحریم‌های جدید ایران به میان می‌آورد که خوب می‌داند دولتی که ادعای ابرقدرتی دارد، وقتی هر هفته یک یا دو شخصیت حقیقی را که غالباً اسامی آنها آنچنان گمنام است که کمتر کسی آنها را می‌شناسند، به اتهام ارتباط تجاری با ایران تحریم می‌کند، نشان از استیصال مطلق امریکا و رئیس‌جمهور آفتاب لب بام آن دارد. یک ماه پیش، وقتی شرکت ملی و وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، یعنی بزرگ‌ترین مجموعه درآمدزایی ارزی کشورمان را تحریم کردند، دیدیم که صادرات نفت ایران از مرز یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه گذشته است. این یعنی شکست دولت ترامپ در تحریم و دولتی که قرار است در آینده سکاندار کاخ سفید باشد.

۳- تیم ترامپ در کاخ سفید و شخص پمپئو تصور نمی‌کردند با اعلام اولین نتایج انتخابات ریاست جمهوری، نه به‌طور رسمی و از سوی مقامات مسئول، بلکه با اعلام پیروزی «بایدن» توسط رسانه‌ها، سران کشورهای اروپایی صف بکشند و با عجله پیام‌های تبریک خود را برای «بایدن» گسیل دارند. این رفتار اروپایی‌ها موجب واکنش عصبی پمپئو شد و او در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز با لحنی که از آن بوی انتقاد به مشام می‌رسید، به سران دیگر کشورها یادآوری کرد که شمارش آرای انتخابات ۲۰۲۰ هنوز تمام نشده و (نتیجه هرچه که باشد) دونالد ترامپ تا ظهر روز ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) که زمان تشکیل دولت جدید واشنگتن است؛ تنها رئیس‌جمهور قانونی امریکا خواهد بود. از این‌رو، در واکنش به تماس تلفنی سران آلمان، فرانسه و انگلیس با «بایدن»، نامزد پیشتاز انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا گفت: اگر این کار فقط در حد سلام کردن است؛ مشکل جدی پیش نمی‌آید، اما اشتباه تلقی نکنید. در حال حاضر ما فقط یک رئیس‌جمهور، یک وزیر خارجه و یک تیم مشخص امنیت ملی داریم و این هم امر واضحی است، اما پمپئو این را می‌داند که غرب از رفتار ترامپ در طول این چهار سال به شدت عصبی است و کشورهای اروپایی ترامپ را عامل تضعیف رابطه فراآتلانتیکی می‌دانند، لذا از ادعای پیروزی بایدن استقبال می‌کنند. وزیر خارجه امریکا که منتقد شرکای اروپایی خود در دادن پیام تبریک به «بایدن» است، اما از یک نکته غافل مانده و آن اینکه مقدمه چنین پیام‌های تبریکی را دولت ترامپ فراهم کرده است، حتی کشورهایی همچون چین که بنا به برخی ملاحظات، ترجیح داده بودند تا اعلام نتیجه قطعی، پیام تبریک برای «بایدن» ارسال نکنند با موضع‌گیری مقامات حاضر در کاخ سفید، روز گذشته ملاحظه خود را کنار گذاشتند و در تماسی، به نامزد پیشتاز انتخابات امریکا، انتخاب او را به عنوان رئیس‌جمهور آینده تبریک گفتند. این موضع چین علیه ترامپ در حالی صورت گرفت که روز پنج‌شنبه ترامپ با امضای یک فرمان اجرایی، خواستار منع سرمایه‌گذاری در چندین شرکت چینی به بهانه مرتبط بودن آنها با ارتش چین شد.

۴- سفر پمپئو به فرانسه و شش کشور منطقه غرب آسیا (ترکیه، گرجستان، فلسطین اشغالی، امارات، قطر و عربستان سعودی) که قرار بود از روز جمعه آغاز شود، چه بسا اهداف خطرناک‌تری را در این روزهای واپسین آنها در کاخ سفید در پی داشته باشد، به‌ویژه اینکه برخی منابع خبری گزارش داده‌اند که پمپئو اولین وزیر خارجه امریکاست که قصد دارد از بلندی‌های جولان اشغالی سوریه دیدن کند. همچنین منابع خبری از قرارداد ۱۰ میلیون دلاری امریکا با عربستان برای بهینه کردن ناوگان هوایی عربستان، به ویژه جنگنده‌های اف ۱۶ خبر دادند. لذا به نظر می‌رسد سفر وزیر خارجه امریکا به عربستان با اهداف خاص صورت گرفته باشد. برخی اخبار غیرموثق و تحریک‌کننده مبنی بر اینکه ترامپ در این فاصله تا واگذاری قدرت به «بایدن» چه بسا دست به اقدامی نظامی در منطقه بزند، نگاه‌ها را به این سمت سوق داده که سفر قریب‌الوقوع پمپئو به این کشورها با اهداف شومی صورت گرفته باشد. هرچند که تیم کنونی کاخ سفید این را می‌داند که برای هر اقدام دیوانه‌واری در منطقه با دو مشکل اساسی روبه‌رو خواهد بود. اولاً؛ کنگره امریکا پیش از این با تصویب قانونی، جلوی هرگونه اقدام نظامی را بسته و ترامپ نمی‌تواند حرکتی را در این زمینه انجام دهد، مگر اینکه رژیم صهیونیستی را برای آن تحریک و تشویق کند که با توجه به موضع ضعیف دولت نتانیاهو دور از انتظار است که صهیونیست‌ها با توجه به شرایطی که خودشان در داخل دارند و همچنین وضعیت متزلزل دولت ترامپ به عنوان حامی آنها چنین دیوانگی‌ای به خرج دهند. ثانیاً؛ ظرفیت مقاومت در منطقه اعم از حزب‌الله، سوریه، ایران، یمن و... امروز از هر مقطع دیگری بهتر است و در صورت هرگونه خطای راهبردی دشمن، یقیناً با واکنش محکم و پشیمان‌کننده‌ای روبه‌رو خواهند شد.

گزارش

عامل حادثه تروریستی اهواز هم در دام وزارت اطلاعات

تروریست‌ها راه فراری ندارند

از سال‌های ۹۸ و ۹۹ می‌توان به عنوان شاهکار دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در شکار تروریست‌های خارج از کشور یاد کرد؛ ضد انقلابیونی که به اشکال مختلف در عملیات‌های تروریستی علیه کشورمان فعالیت داشتند و دست آنها به خون صدها تن از شهروندان بی‌گناه آلوده شده بود.

مهرماه ۹۸ بود که اطلاعیه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب خبر از دستگیری (نیما) روح‌الله زم، مدیر کانال ضدانقلابی «آمدنیوز» می‌داد که نقش او در آشوب‌های ۹۶ بر همگان آشکار شده بود؛ نقشی که روح‌الله زم از بیان آن ابایی نداشت. شاید به این دلیل که تیم حفاظتی او در فرانسه هم وزن تیم رئیس‌جمهور تعریف شده اما اکنون به دام سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افتاده بود.

در آن اطلاعیه آمده بود: «سازمان اطلاعات سپاه، در این عملیات حرفه‌ای، هوشمندانه و چند وجهی با به کارگیری روش‌های نوین اطلاعاتی و شگردهای ابتکاری، سرویس‌های بیگانه را مدیریت و فریب داد و روح‌الله زم سرشبکه سایت ضدانقلاب و معاند آمدنیوز را که در سال‌های اخیر با هدایت، تأمین و پشتیبانی مستقیم آنان و نیز حمایت ضد انقلاب خارج‌نشین و عوامل داخلی آنها، به عنوان یکی از آبشخورهای محوری دشمن، عملیات روانی گسترده‌ای برای اختلاف‌افکنی در ارکان نظام اسلامی، ایران هراسی، دروغ پردازی، القای شبهه در نسل جوان نسبت به عقاید و باورهای دینی و تبلیغ و فراهم‌سازی زمینه‌های اقدامات خشونت بار و تروریستی، ایجاد آشوب و ناآرامی در کشور را اداره می‌کرد را به داخل کشور هدایت و بازداشت کند.»

■ **آب در لانه مورچگان**

خبر دستگیری روح‌الله زم در کنار ترس، بهت و حیرتی که در اردوگاه ضدانقلاب و سرویس‌های اطلاعاتی غرب ایجاد کرد، عناصر ضدانقلاب را نیز به تکاپو واداشت تا همدیگر را به همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران متهم کنند. آنها برای غلبه بر ترسی که بر آنها چیره شده بود تلاش زیادی کردند تا با کنار هم چیدن تکه‌های پازلی که البته در اختیار نداشتند، به چگونگی عملیات فریبی که ایران انجام داده و نحوه دستگیری زم برسند؛ تلاشی که حاصلی جز اتهام زنی به یکدیگر، توهین و تهمت، اختلافات و سردرگمی در پی نداشت.

و اینگونه بود که اعتماد ضدانقلاب به یکدیگر با دستگیری زم ضربه‌ای دیگر خورد. روح‌الله زم اکنون در چنگال عدالت گرفتار آمده و دستگاه قضایی دیر یا زود حکم او را اعلام و به مرحله اجرا خواهد گذاشت، اما چشمان بینا و تیزبین حافظان امنیت و اقتدار ایران اسلامی همچنان بیدار است و سربازان گمنام امام زمان به کابوسی برای تروریست‌های مزدور غرب تبدیل شده‌اند.

■ **عامل اقدام تروریستی اهواز در دام وزارت اطلاعات**

هفته گذشته نیز یکی از اقدامات موفق سربازان گمنام امام‌زمان(عج) در وزارت اطلاعات با دستگیری سرکرده گروهک تروریستی «حرکه النضال» رقم خورد؛ گروهکی که عامل اصلی حمله تروریستی خونین ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز بود.

در اطلاعیه‌ای که روز پنج‌شنبه از سوی روابط عمومی وزارت اطلاعات منتشر شد، آمده است: با اقدامات تخصصی و ترکیبی سربازان گمنام امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)، فرج‌الله چعب سرکرده گروهک تجزیه طلب حرکه النضال شناسایی و دستگیر شد. سرکرده گروهک تجزیه طلب حرکه النضال در سال‌های اخیر قصد چندین عملیات بزرگ دیگر در تهران و خوزستان را داشت و اخیراً در حال برنامه‌ریزی برای هدایت عملیات تروریستی جدیدی بود که با اشراف اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناکام ماند. این گروهک که تحت حمایت مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و رژیم صهیونیستی قرار دارد، به‌رغم صدور حکم بین‌المللی برای سرکردگان آن گروه، عملیات تروریستی در ایران را مدیریت می‌کرد.

وزارت اطلاعات اضافه کرده است: عامل اصلی حمله تروریستی خونین ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز که اکنون در دستان وزارت اطلاعات قرار دارد؛ از دیگر عملیات تروریستی و خونین این گروهک نیز جزئیاتی بیان کرده‌است.

از مجموع این عملیات‌ها می‌توان دریافت که عناصر و گروهک‌های ضدانقلاب اگرچه چند صباحی بتوانند با حمایت‌های پیدا و پنهان دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و پشتیبانی مالی برخی شیوخ منطقه به اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود علیه نظام جمهوری اسلامی و شهروندان ایرانی ادامه بدهند، اما سرنوشت محتوم همه آنها گرفتار آمدن در چنگال عدالت است. چنانکه عبدالمالک ریگی سرکرده گروهک تروریستی جیش‌العدل (بخوانید جیش الظلم)، روح‌الله زم و اکنون فرج‌الله چعب به این سرنوشت گرفتار شدند.

■ **سابقه گروهک تروریستی حرکه‌النضال**

تشکیلات تروریستی گروهک حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز در سال ۱۳۷۶ شمسی با پوشش فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و در قالب یک حزب غیرقانونی و فاقد مجوز در ایران آغاز به کار کرد.

حبیب جبر نبگان سرکرده این گروهک تروریستی با همکاری سایر اعضای متواری به اروپا و امریکا، اعضای این گروهک را تشکیل می‌دادند. هرچند اقدامات این گروهک از همان ابتدا بر پایه مقابله با جمهوری اسلامی ایران با هدف تحریک قومیت عرب و در نهایت تجزیه‌طلبی خوزستان برنامه‌ریزی شده بود، اما کمتر از هشت‌سال به تشکیل شاخه نظامی به نام کتائب محی الدین آل ناصر و انجام اقدامات تروریستی انجامید. بمبگذاری سال ۱۳۸۴ در اهواز حاصل تصمیم اعضای شورای مرکزی این گروهک در جلسات سری آنها بود. بمبگذاری فرماندار اهواز، سازمان مسکن وشهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ساختمان مرکزی طرح توسعه نیشکر، سرقت مسلحانه از بانک صادرات اهواز، انفجار چاه‌های نفت و چندین خط لوله انتقال نفت، کشتار مردم بی‌دفاع و چندین عملیات تروریستی دیگر از جمله اقدامات شاخه نظامی حرکه النضال بود. شورای مرکزی این حزب با تولید و پخش سی‌دی و بیانیه‌های رسمی در استان خوزستان مسئولیت همه ترورها و اقدامات مسلحانه خود را پذیرفت و حتی برای تکرار اقدامات تروریستی تهدید کرد.

سرکردگان این گروهک از کشورهای اروپایی و تحت حمایت آنان عناصر اصلی با اسامی مستعار به اقدامات تروریستی خود نظیر انفجار در بانک سامان اهواز، بمبگذاری در چندین نقطه از پارک ساحلی اهواز، حمله به نیروهای نظامی و انتظامی، حمله به اماکن و تأسیسات عمومی همچون عابربانک‌ها و مراکز خدمات شهری و دهها جنایت دیگر ادامه می‌دهند. اقدامات تروریستی حرکه النضال در مجموع منجر به شهادت و مجروحیت بیش از ۴۵۰ تن از هموطنان بی‌گناه در خوزستان شد.

حمله تروریستی به رژه نیروهای نظامی و انتظامی در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۹۷ در اهواز و کشتار بی‌رحمانه شهروندان مظلوم نیز از عملیات تروریستی حرکه النضال بوده که مسئولیت مستقیم آن را سخنگو و سرکردگان گروهک رسماً بر عهده گرفتند. ۲۴ و ۲۵ بهمن سال ۱۳۹۷ ورشو پایتخت لهستان میزبان نشستی بود به نام صلح و امنیت در خاورمیانه که با هماهنگی امریکایی‌ها برگزار شد، پمپئو وزیر خارجه امریکا که با لابی‌های گسترده سعی در برگزاری این نشست داشت، می‌خواست اجلاس ورشو را به محلی برای اجماع جهانی علیه ایران تبدیل کند که البته موفق نشد. با این حال با حمایت مالی امریکایی‌ها گروهک‌های مختلف ضدانقلاب با ترغیب و فراخوان امریکایی‌ها خود را به ورشو رساندند تا حداقل بخشی از شوی تبلیغاتی امریکا علیه ایران را تشکیل دهند. یکی از مسافران ورشو، حبیب فرج‌الله چعب از اعضای سرکرده گروهک تروریستی حرکه النضال بود.

پلیس ایران با پیگیری از طریق اینترپل در سال ۱۳۸۶ شمسی و با استناد به فعالیت‌های تروریستی حرکه النضال و نقش حبیب فرج‌الله‌چعب در این عملیات‌ها «وانتد» قرمز را درخواست کرده که توسط پلیس اینترپل این حکم صادر شد و همین حکم بین‌المللی موجب شد تا زمانی که حبیب فرج‌الله چعب وارد فرودگاه ورشو شود دستگیر گردد. بعد از دستگیری این تروریست در لهستان، جمهوری اسلامی ایران براساس قوانین بین‌المللی که حق محاکمه قضایی فرج‌الله‌چعب را به ایران می‌داد، خواهان استرداد وی به ایران شد. همزمان با درخواست ایران، عربستان سعودی و امریکایی‌ها نیز فشارهای خود را به دولت لهستان برای جلوگیری از استرداد این مجرم به ایران آغاز کردند. حتی امریکایی‌ها با مشارکت سعودی‌ها، دولت سوئد را به عنوان کشور میزبان حبیب فرج‌الله چعب مجبور کردند تا هیئتی را برای پیگیری وضعیت این تروریست به لهستان اعزام کنند. سرانجام به‌رغم ارسال مستندات غیر قابل خدشه از نقش حبیب فرج‌الله چعب در اقدامات تروریستی متعدد، دادگاه لهستان با فشار کشورهای امریکا، سعودی و اسرائیل این تروریست را آزاد کرد.

از مجموع این عملیات‌ها می‌توان دریافت که عناصر و گروهک‌های ضدانقلاب اگرچه چند صباحی بتوانند با حمایت‌های پیدا و پنهان دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و پشتیبانی مالی برخی شیوخ منطقه به اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود علیه نظام جمهوری اسلامی و شهروندان ایرانی ادامه بدهند، اما سرنوشت محتوم همه آنها گرفتار آمدن در چنگال عدالت است. چنانکه عبدالمالک ریگی سرکرده گروهک تروریستی جیش العدل (بخوانید جیش الظلم)، روح‌الله زم و اکنون فرج‌الله چعب به این سرنوشت گرفتار شده‌اند.

ویژه

■ **حذف پست قالیباف در اینستاگرام**

اینستاگرام پست رئیس مجلس ایران در خصوص جنایت بی‌رحمانه داعش در افغانستان را حذف کرد. محمدباقر قالیباف در این مطلب نوشته بود: «جنایت داعش علیه فرزندان نازنین افغانستان، دل همه ما را به درد آورد. مسئول مستقیم تمامی جنایت‌های داعش، بنیانگذاران آدمکش امریکایی و صهیونیست، تأمین‌کنندگان مالی آنها در منطقه و حامیان آنها هستند». روشن نیست این مطلب که خلاف قوانین و پروتکل‌های اینستاگرام هم نیست، به چه دلیل حذف شده‌است.

■ **جبهه اصلاحات با تعدد کاندیدا در ۱۴۰۰ روبه‌رو است**

برخی اصلاح‌طلبان معتقدند که نباید با احزاب دیگر در مورد حمایت از روحانی ائتلاف می‌کردند و بهتر بود که به دفاع از کاندیدای خودشان می‌پرداختند. کاندیدای اصلاح‌طلب محمدرضا عارف بود که خاتمی با علم به عدم رأی‌آوری، او را مجبور به انصراف کرد.

حالا اسماعیل گرامی‌مقدم، سخنگوی حزب اعتماد ملی و مشاور مهدی کروبی در مورد احتمال ائتلاف مجدد اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ گفته که «در حال حاضر اصلاح‌طلبان همچنان باور دارند که باید با نامزد اصلاح‌طلب وارد انتخابات شد؛ آن‌قدر هم جبهه اصلاحات با تعدد نامزد روبه‌رو است که اگر بتوانیم از همین نامزدها بر سر یکی به اجماع برسیم، هنر کرده‌ایم. البته تا روز انتخابات ممکن است اتفاقات متعددی رخ دهد و سیاست‌ها متناسب با آنها تعیین شود، اما تا اینجای کار به اطمینان می‌گویم که اصلاح‌طلبان با نامزد اصلاح‌طلب وارد کارزار انتخابات می‌شوند، زیرا واقعاً ائتلاف برای اصلاح‌طلبان هزینه‌های زیادی در پی داشت. علاوه بر این ائتلاف در ایران منحصر به فرد است. در هیچ کجای دنیا قبل از انتخابات ائتلاف رخ نمی‌دهد و ائتلاف در کشورهای دیگر بعد از پیروزی یک حزب رخ می‌دهد».

چنانچه روشن است همین گرامی‌مقدم هم با همه شدت مخالفتش با ائتلاف، مطمئن نیست که تا شب انتخابات چه روی بدهد. از جمله انتقادات خواص حزبی اصلاح‌طلب به رهبران اصلاحات، گرفتن تصمیمات بدون اعمال نظر احزاب و تصمیم‌سازی برای شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان بود. به نظر می‌رسد همچنان هم این نگرانی از سوی احزاب اصلاح‌طلب وجود دارد که در شب‌های پایانی منتهی به انتخابات تصمیمات از بالا و دیکته آن به نامزدهای اصلاح‌طلب همه برنامه‌ها را به هم بزند.

■ **یادداشت متفاوت شرق: برجام نامتوازن بود**

روزنامه شرق یادداشتی از ابراهیم متقی منتشر کرده که حاوی نکات جالب‌توجهی در مورد برجام و نیز سیاست‌های امریکا در غرب آسیاست. در این یادداشت آمده که «مهم‌ترین مشکل رؤسای جمهور امریکا، در چهار دهه گذشته، نادیده‌گرفتن موضوع موازنه قدرت در محیط منطقه‌ای خاورمیانه بوده‌است. امریکایی‌ها همواره تلاش کرده‌اند ایران را به «دیگری» سیاست خارجی و امنیتی خود تبدیل کنند. نکته جالب اینجاست که کشورهای عرب منطقه و اسرائیل هم ایران را «دیگری» امنیتی خود می‌دانند و به این ترتیب مثلثی شکل می‌گیرد که موازنه منطقه‌ای را به هم می‌زند. مثلث امریکا، اسرائیل و کشورهای منطقه‌ای.»

در ادامه یادداشت تأکید شده که «درست است که جو بایدن اشاره دارد که من می‌خواهم روابط با ایران را در فضای کاهش تنش قرار دهم، اما کاهش تشنج نیازمند موازنه منطقه‌ای است. موازنه منطقه‌ای در شرایطی حاصل می‌شود که ایران بخشی از راه‌حل بحران امنیتی منطقه محسوب شود. وقتی که امریکا، اسرائیل و جهان عرب، به‌گونه‌ای یکصدا تمام تلاش خودشان را برای مقابله و نابودی یک کشور با تاریخ کهن، با ژئوپلتیک عمق‌یافته و با رویکرد امنیت‌محوری که در دوران دفاع مقدس نشان داد، قرار می‌دهند، طبیعی است که ایران، نه‌تنها در این دوران تاریخی، حتی یک ایران ناسیونالیست، یک ایران سکولار و یک ایران پادشاهی هم نمی‌تواند جبهه متحد امریکا، جهان عرب و اسرائیل را بپذیرد.»

تا همین‌جای یادداشت هم با رویکرد همواره روزنامه شرق در مورد تنش ایران و غرب متفاوت است. شرق همچون دیگر اصلاح‌طلبان همواره کوشیده مقصر تنش ایران و غرب را ایران بداند، اما این یادداشت رویکردی واقع‌بینانه به دشمنی امریکا و متحدانش با ایران دارد. در ادامه هم برجام مورد نقد قرار می‌گیرد که متوازن نبوده و این از روزنامه شرق بعید است: «جامعه ایرانی به‌هیچ‌وجه سودی و منافعی در ارتباط با برجام نداشت؛ اما خودش را با برجام تطبیق داد. این مسئله نشان می‌دهد که جامعه ایرانی رویکردش در مصالحه‌گرایی قرار دارد. البته نگاه من این است که برجام شکلی از مصالحه نبود و کاملاً نامتوازن بود. به‌همین‌دلیل هم از ویژگی تداوم برخوردار نبود.»

اذعان شرق در یک یادداشت به نامتوازن بودن برجام اتفاق عجیبی است! چون شرق تمام‌قد و همواره از برجام دفاع می‌کند.

یادداشت

حبیب بابایی

مذاکره با امریکا به‌مثابه شر مطلق

تب مذاکره بار دیگر بعد از یک دوره انتخابات پرحرف و حدیث در امریکا با روی کار آمدن «جو بایدن»، این روزها در برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای کشورمان شدت گرفته است. این ذوق‌زدگی‌ها را می‌توان با مطالعه و شنیدن پاره‌ای از تحلیل‌ها و نظرات کارشناسان به ظاهر مستقل و خبره به وضوح مشاهده کرد که با چه شدت و حدت وصف‌ناپذیری برای انجام مذاکره روزشماری می‌کنند. شور مذاکره تا آنجایی در دل این کارشناسان و رسانه‌ها بسط پیدا کرده که برخی تئوریسین‌های مطرح یک جریان سیاسی در کشور از عادی‌سازی روابط سخن می‌گویند و حتی عده‌ای پا را فراتر از این می‌گذارند و در پس ذهن خود نقشه باز کردن سفارت امریکا در تهران را می‌پرورانند.

در نگاه نخست، گمان بر این است که این نظرات و تحلیل‌ها صرفاً جو روانی حاکم بر جامعه است که خود را در فضای سیاسی و اقتصادی این روزهای جامعه نشان می‌دهد، اما با کمی دقت و بررسی متوجه می‌شویم که این نظرات و دیدگاه‌ها پروژه و برنامه طیفی از گروه‌های سیاسی است که می‌خواهند از آب گل‌آلود مذاکره برای آینده سیاسی‌شان ماهی صید کنند. بر این اساس نگارنده می‌کوشد با تحلیل و بررسی جامع زوایای مختلف روابط ایران-امریکا و همچنین نقش بازیگران اصلی و تأثیرگذار در این عرصه، تصویر روشنی از پشت پرده مذاکره ترسیم کند. البته هدف ارائه راهکارهای واقع‌بینانه به صیانت و حفظ منافع ملی کشور است. پیش از پرداختن به موضوع لازم به ذکر است که نگارنده معتقد به اصل مذاکره در چارچوب تأمین اصول و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده و است، از این‌رو به عنوان خبرنگار و تحلیلگر سیاسی در حوزه بین‌الملل آنچه بیان می‌شود، نه در تأیید و نه در تکذیب اصل مذاکره، بلکه هدف آگاه‌سازی جامعه از درایت و بصیرت نخبگان کلان کشور است که در جهت منافع ملی کشور گام برمی‌دارند.

برای تبیین بهتر موضوع باید به رفتار و عملکرد امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا به امروز نگاه جامعی داشته باشیم. امریکا بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران کوشید خوی استعماری و حضور کاپیتالیستی خود را که در دوران پهلوی در کشورمان بسط داده بود به همان شیوه ادامه دهد، اما از آنجا که شعار استقلال و نفی هرگونه دخالت خارجی خواست و هدف اصلی مردم در انقلاب بوده است پس ادامه روند دخالت امریکا در ایران، دیگر از سوی رهبران و مردم پذیرفته نبود. از این‌رو مردم ولایتمدار ایران با پیروی از بیانات امام خمینی(ره) به تسخیر سفارت امریکا که لانه جاسوسی بیش نبود، اقدام کردند. همین مسئله به دشمنی پنهان امریکا جلوه عینی داد و سعی کرد با اقداماتی همچون حمله نظامی به طبس، حمایت همه‌جانبه از دشمن بعثی در جنگ تحمیلی، وضع تحریم‌های ظالمانه، تشدید گسترده تحریم‌ها، حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و هزاران اقدام دیگر دشمنی و خوی استعماری خود را تا به امروز با شدت و ضعف نشان دهد.

امریکا می‌خواهد ایران با کوتاه آمدن از مواضع انقلابی خود مانند سایر قدرت‌های ضعیف منطقه همواره مجیزگو و مستعمره امریکا باشد، اما این خواسته تا به امروز با بصیرت و درک والای رهبری در مدیریت و پیشبرد اصولی سیاست‌های کلان جامعه محقق نشده است. البته این موضوع هزینه و سختی‌هایی را در کوتاه‌مدت برای کشور به همراه داشته، ولی با نگاهی به گذشته روشن است که کشور چه در حوزه استقلال سیاسی و چه در پیشرفت علمی و خودکفایی‌هایی که در عرصه مختلف به دست آورده، همه و همه محصول ایستادگی در مقابل استعمارگران بوده است. اوج این پیشرفت و استقلال کشور را می‌توان در عرصه نظامی و ساخت تجهیزات دفاعی و فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای دید که کشور با وجود شدیدترین تحریم‌ها به دانش هسته‌ای و پرتاب موشک‌های ماهواربر دست پیدا کرده است. این پیشرفت و استقلال از آنجایی که سلطه غرب را به چالش می‌کشید، آنها را به این نتیجه رساند که با وضع تحریم‌های فلج‌کننده که عملاً یک حصار نامرئی به دور کشور بود، مانع از این مسئله شوند، اما این اتفاقات آن را مستقل‌تر و خودکفاتر کرده، به‌طوری که در نهایت استعمارگران را بر آن داشت تا با پذیرش دانش و توان نظامی ایران عملاً تن به مذاکره برجام بدهند تا به نوعی توان علمی و نظامی کشور را متوقف کنند. از آنجایی که هدف اصلی و نهایی مذاکره توقف استقلال و پیشرفت ایران بود، به ناچار بار دیگر از مذاکره خارج و تلاش کردند با اختلال و آشوب در فضای سیاسی و اقتصادی ایران مانع از ادامه روند پیشرفت ایران شوند. خوشبختانه اینبار هم با وجود همه تلاطم‌ها و ناملایماتی که وجود داشت، با هدایت مقام معظم رهبری برنامه‌های شوم آنها نقش برآب شد و به سرانجامی نرسید.

بر این اساس مقامات امریکایی را بر آن داشت که بار دیگر با ترفند مذاکره به خوی استعماری خود حیات ببخشند، ولی چند نکته در این مورد بسیار حائز اهمیت است. نخست اینکه شرایط کنونی ایران با دوره قبل مذاکره بسیار متفاوت است پس با پیش‌فرض‌های قبل یا نگاه از بالا به پایین نمی‌شود بر سر میز مذاکره نشست. دوم اینکه امریکا بارها نقض پیمان، عهدنامه‌ها و توافقنامه‌های فی‌مابین را فدای توسعه‌طلبی خود کرده است. بنابراین چه تضمینی وجود دارد، این‌بار نیز امریکا بر عهد و پیمان خود پابرجا بماند. سوم اینکه خسارت و آسیب‌های ناشی از خروج امریکا از برجام را این کشور چگونه و چطور می‌خواهد برای ایران تأمین کند که ایران مجاب به مذاکره آتی شود.

با تأمل به این پرسش و خواسته‌ها کاملاً گویاست که امریکا درصدد آن است که نسبت به گذشته هیچ مسئولیتی برعهده نگیرد و خسارت‌های گذشته را جبران نکند و شرم‌آور اینکه درصدد آن است که حتی امتیازاتی به مراتب بیش از گذشته از ایران مطالبه کند. پس می‌توان اینگونه استدلال کرد که امریکا، نه تنها آماده مذاکره نیست، بلکه مذاکره در این شرایط با امریکا هم یک شر مطلق و ضرر بی‌چون و چراست.

خبر

سخنگوی کمیسیون شوراها:

طرح اصلاح قانون انتخابات این هفته به صحن می‌آید

سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس از بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و شوراها در جلسات هفته آینده مجلس خبر داد.

علی حدادی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به دستورکار هفته پیش روی مجلس گفت: شور دوم طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در دستور کار صحن علنی قرار گرفته‌است. در شور دوم اصلاحاتی در این طرح اعمال شد از جمله اینکه حداقل سن برای داوطلبی در انتخابات ریاست جمهوری از ۴۵ سال به ۴۰ سال کاهش پیدا کرد. سابقه اشتغال در مناصب نیز از هشت سال به شش سال تقلیل یافت، همچنین تمام استانداران مجاز به ثبت‌نام شدند و شهرداران شهرهای بیش از ۲ میلیون نفر نیز می‌توانند کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شوند.

نماینده مردم ساوجبلاغ، طالقان و نظرآباد در مجلس ادامه داد: از سوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، طرح اصلاح قانون انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز در دستورکار صحن علنی قرار گرفته‌است که امیدواریم هر دو موضوع در یکی از روزهای صحن علنی هفته آینده یعنی در روزهای یک‌شنبه (۲۵ آبان)، سه‌شنبه (۲۷ آبان) و چهارشنبه (۲۸ آبان) مورد بررسی قرار گیرد.

سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس با اشاره به دستورکار کمیسیون گفت: روز سه‌شنبه ۲۷ آبان وزیر کشور برای پاسخ به سؤال تعدادی از نمایندگان در کمیسیون حاضر می‌شود.